

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امام علی بن ابی طالب (ع)

تاریخ تحلیلی نیم قرن اول اسلام

غوغای هروان

عبد الفتاح عبدالمقصود

سایه سخن

سرشناسه	عبدالمقصود، عبدالفتاح، ۱۹۱۲ - ۱۹۹۳م
عنوان قراردادی	عبدالمقصود، عبدالفتاح - Abdal - Maqsud, Abdal - Fattah
عنوان و نام پدیدآور	الامام علی بن لیطال. فارسی
مشخصات نشر	الامام علی بن لیطال: تاریخ تحلیلی نیم قرن اول اسلام/عبدالفتاح عبدالمقصود؛ مترجم محمد مهدی جعفری
مشخصات ظاهری	تهران، سایه سخن، ۱۳۹۰.
شابک	ج ۸
	دوره: ۵-۲۰-۶۳۰۴-۹۷۸-۶۰۰-۶۳۰۴-۲۱-۲؛ ج ۱: ۹۷۸-۶۰۰-۶۳۰۴-۲۱-۲-۲۱-۲
	ج ۲: ۹-۲۲-۹۷۸-۶۰۰-۶۳۰۴-۲۱-۲-۲۱-۲-۲۱-۲
	ج ۳: ۳-۲۴-۹۷۸-۶۰۰-۶۳۰۴-۲۱-۲-۲۱-۲-۲۱-۲
	ج ۴: ۴-۲۴-۹۷۸-۶۰۰-۶۳۰۴-۲۱-۲-۲۱-۲-۲۱-۲
	ج ۵: ۵-۲۴-۹۷۸-۶۰۰-۶۳۰۴-۲۱-۲-۲۱-۲-۲۱-۲
	ج ۶: ۶-۲۴-۹۷۸-۶۰۰-۶۳۰۴-۲۱-۲-۲۱-۲-۲۱-۲
	ج ۷: ۷-۲۴-۹۷۸-۶۰۰-۶۳۰۴-۲۱-۲-۲۱-۲-۲۱-۲
	ج ۸: ۸-۲۴-۹۷۸-۶۰۰-۶۳۰۴-۲۱-۲-۲۱-۲-۲۱-۲
وضعیت فهرست نویسی	فیا.
مترجمان	ج ۱. طلوع خورشید، ج ۲. روزگار عثمان، ج ۳. فاجعه جمل
	ج ۴. واقعه صفین، ج ۵. بازی حکمت، ج ۶. غوغای نهروان
	ج ۷. نظام برابری، ج ۸. غروب خورشید
عنوان دیگر	تاریخ تحلیلی نیم قرن اول اسلام
موضوع	علی بن ابیطالب (ع) امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق
موضوع	اسلام - تاریخ - از آغاز تا ۴۱ ق
موضوع	خلفای راشدین
شناسه افزوده	جعفری، محمد مهدی، ۱۳۱۸، مترجم
رده بندی کنگره	۱۳۹۰: ۸۰۴۲/ع۳۵/۳۷۲۷ BP
رده بندی دیویی	۲۹۷/۹۵۱
شماره کتابشناسی ملی	۲۴۲۰۷۸۱

امام علی بن ابی طالب^(ع) جلد ششم غوغای نهروان

نویسنده: عبدالفتاح عبدالمقصود مترجم: سید مهدی جعفری

ناشر: سایه سخن لیتوگرافی و چاپ: و اصف

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۰ شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

بها دوره: ۱۲۳۵۰۰ تومان

➤ تلفن: ۶۶۴۷۵۴۲۰ - ۶۶۴۷۵۴۲۱ - ۹۱۲۶۴۹۱۸۲۸

➤ نشانی: تهران، خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، کوی بهشت آیین،

پلاک ۱۹، طبقه همکف

www.ketab.ir

فهرست مطالب

سخن مترجم
از صفحه نه تا چهارده

بازگشت به جنگ

از صفحه ۱ تا صفحه ۵۷

- ۲ ظاهرینان علی و معاویه را همسنگ می‌بینند
علی و یاران با بررسی دو نتیجه حکمیت، تنها چاره را تجدید
جنگ می‌بینند.
۱۳
۲۵ خوارج برای فرار از ستم دژنهروان اردو می‌زنند
۳۳ بصره دعوت امام را برای اعزام قوا به سردی تلقی می‌کند
۴۲ علی برای جلب افراد حاضر به گذشت نیست

خوارج نهروان

از صفحه ۵۹ تا صفحه ۱۲۲

- ۶۱ از ترس موهوم خوارج، کوفه از رفتن به نبرد شام منحرف می‌شود
جرائم فردی برخی از خوارج به صورت جنایاتی بس بزرگ تبلیغ
می‌شد
۷۲
۸۳ دوستاندگرافه گوی و دشمن بیراهه‌پری، هر دو هلاک می‌شوند
هباوهی تبلیغات منافقان میردا از دشمن اصلی به خطر موهوم
منحرف می‌کند
۹۶
۱۰۳ به پیش به سوی خوارج به یاری خدا!

- لجاجة و دشمنخوئی، در برابر منطق و دلیل استوار، رای می جز جنگ
 نمی جوید ۱۱۲
 خوارج با پیروزی و مرگ، در يك لحظه قراملاقات داشتند ۱۲۲
 بدترین گروه بوسیله بهترین شخص از میان برداشته می شود. ۱۳۲

مسألة مصر

از صفحه ۱۴۳ تا ۲۴۲

- سباه پیروز، شکست خورده از نفاق، از پیکار شام سر می نابد ۱۴۵
 معاویه با شمار رفتن خود درباره تصرف مصر صحبت می کند. ۱۵۳
 موضعگیری فیس در برابر آشوبگران، علت اصلی شکست برنامه های
 امام بود! ۱۶۲
 محمد بن ابی بکر چه موضعی در برابر مخالفان در مصر اتخاذ می کند؟ ۲۰۱
 با نصب اشتر به استانداری مصر، تخت معاویه به لاسرزه و عوامل
 توطئه به کار می افتد ۲۱۳
 مالك اشتر بوسیله مزدور معاویه ترور می شود! ۲۲۳
 امام برای بسیج یاران به اردوگاه جرعة می رود ولی کسی نمی آید ۲۳۵

محمد بن ابی بکر

از صفحه ۲۴۵ تا صفحه ۳۰۰

- نیروی تدافعی مصر تا شهادت فرمانده خود ایستادگی می کند ۲۴۷
 خبر شهادت محمد، برای امام، اندوهی بی پایان بود! ۲۵۶
 سگهای شکاری در تعقیب محمد بیهدف و سرگردان ۲۶۵
 عاطفه برادری عبدالرحمان وحس حقیرستی معاویه بن یزید، به جوش
 می آیند! ۲۷۱
 انتقام خون عثمان بزرگترین بهانه تاریخی، برای توجیه جنایات
 بنی امیه! ۲۷۸
 سرمشق مثله و شکنجه کردن امویان، هند جگر خوار است! ۲۸۷

توطئه بصره

از صفحه ۳۰۱ تا صفحه ۳۷۴

- ۳۰۳ معاویه برای ایجاد آشوب در بصره، به تقویت «ستون پنجم» دست می‌زند
نماینده معاویه بسطون مزاحمت وارد بصره می‌شود و اختلافات را دامن می‌زند
۳۱۳ نقش ستوای عربی، باردیگر برای تغییر مسیر تاریخ به کار می‌افتد
۳۲۲ با میانجیگری احنف، آئین دو دستگی میان قباصل بصره، موقتاً خاموش می‌شود
۳۳۲ بلوای کور انگیزان، برخلاف همه اصول، یک امام را شبانه ترود می‌کند
۳۴۲ زیاده‌فصل حمله داشت، با به یک نمایش جنگی موفق دست زد
۳۵۳ هیزمکش آتش بصره، خود هیزم آتش توطئه شام گردید
۳۶۱

یکتا پرستی و یگانگی

از صفحه ۳۷۵ تا صفحه ۴۵۶

- ۳۷۷ مرد حق و راستی، در برابر انحراف و ستم از پای نمی‌نشیند
۳۸۵ نفع شخصی انگیزه پیوستن عرب به اسلام بوده است
۳۹۵ تازگی دین و استواری یقین، مسلمانان اولیه را از انحراف حفظ کرد
۴۰۲ وحدت، پایه حکومت و مجتمع اسلامی است
غرور پیروزیهای پی‌درپی زمامداران را به تعصب نژادی و جامعه را به ضعف دچار کرد
۴۱۷ عوامل ضعف مجتمع اسلامی از درون بود نه از بیرون
۴۲۶ تعلیمات دوازه شهر علم پیغمبر، پرتو نور وحی بود
۴۳۴ تعلیم والای حلوی، برنامه کار سیاستمداران با تقوا، و شیوه زندگی انسانها است
۴۴۰ تعلیمات والای انسانی، چون گوش شنوا نیابد به نتیجه نخواهد رسید
۴۵۰

www.ketab.ir

سخن مترجم

باسمه تعالی

ایها الناس! لا تستوحشوا فی طریق الهدی قللة اهلہ، فان الناس قد اجتمعوا علی مائدة شعبها قصیر وجوعها طویل^۱
مردم! در پیمودن راه هدایت، به خاطر کمی راه یافتگان، وحشت به دل راه ندهید و به عقب بازپس نگردید، زیرا همیشه رهنوردان پیشرو اندکند و تا به هدف روشن نرسیده اند همگان پیروی نمی کنند. این وظیفه گروه راه یافته و بیراهه شناس است که ناهمواریها را درنوردند و هموار سازند و اکثریت را به دنبال خویش بکشانند. دیو و ددان در گوشه کمین کرده را بشناسند و بشناسانند. زیرا مردم بر سرخوان گسترده ای گرد آمده اند که سیر شدنش بسی کوتاه و گرسنگیش دراز مدت است. مدتی کوتاه از آن مصرف می کنند و حس تجمل دوستی خود را سیر و خوشنود می بینند، لیکن مدتها باید برای تأمین مصرفها گرسنگی کنند و جان بکنند.

مردم! خوشنودی و خشم همه را یکجا گرد می آورد و مشمول یک سرنوشت می گردانند. همچون کشتن ناقله صالح که بوسیله یکتا از افراد ملت نمود صورت گرفت لیکن عذاب الهی و خشم نظام آفرینش همگان را در بر گرفت، زیرا دیگران هم با سکوت خود بدان امر رضایت دادند و علیه جنایتکار خشم نگرقتند.

مردم! هر کس راه روشن هدایت پوید به سرچشمه گوارای مقصود که کمال انسانیت انسانی است رسد، و بیراهه روندگان در یکران صحرای خشک و سوزان خواری و عقب ماندگی و زندگی پست حیوانی سرگردان شوند.

۱. از خطبه ۱۹۲ نهج البلاغه.

یگمان، اگر سخنان و مواعظ حکمتار و جهان آموز آن بزرگمرد تاریخ انسانیت، نهج البلاغه، هم در دست نبود، زندگی، شیوة رفتار و اعمالش می توانست جهانی درس و حکمت برای يك مجتمع انسانی نمونه و با داد و سالم باشد. سرتاسر زندگی درخشان و پرافتخارش آموزنده و قابل پیروی است. زیرا از کودکی در پرورش تربیت شخصی قرار گرفت که خود او برای جهان سازی و زدودن انسانیت از هر نوع آلودگی که مانع راه تکامل بشر باشد، آماده می شد. سپس از سرچشمه وحی مستقیماً حقیقت آموخت و جان تشنه حقایق خویش را سیراب کرد. کمتر از بیست سال داشت که در پیکارهای سرنوشت، پیکارهایی که میان حق و باطل، نور و ظلمت، انسانیت و حیوانیت، در گرفت، از همان ابتدا عنوان شایسته قهرمانی را به خود اختصاص داد و به پیغمبر خدا نشان داد شاگردی لایق و دست پرورده ای حق شناس می باشد. در بیست و سه سال تاریخ رسالت نهائی و تکامل یافته، عمیقترین و بهترین درسها آموخت. و بسی برتر از جهانی قرار گرفت که باید سرپرستی آن را به کف با کفایت خود گیرد.

لذا کسانی که تازه از تیرگی جاهلیت قدم به سیده دم اسلام گذاشته بودند، نور درخشان خورشید دادگری و اصولی- اندیشی او را نیارستند دید. او که هدفش بسیار بالاتر از حکومت و احراز قدرت بود و تنها به اجرای درست تعلیمات کمال بخش اسلام چشم داشت، از یم ازم پاشیدن سازمان نوین و مکتب تازه بای دین جدید، بیست و پنج سال سکوت اختیار کرد و استخوان در گلو و خاشاک در چشم، باز هم دور از صاحبان قدرت، ولی نگران به رفتار و مراقب اعمالشان، به تلاشی که برای پیشرفت مکتب و وظیفه مناسب خود می دید پرداخته و همچون غضبشندگان قدرت و ریوده شدگان حق به تماشایستاد بگوید حال که زمام در دست من نیست بگذار این مرکب سرکش بهر بیراهه ای می خواهد برود و مرکوب خود را به هر پرنگاهی میل دارد بکشانند، بلکه در خود، در برابر خدا و خلق، مسؤولیتی احساس می کرد که نمی توانست دست روی دست گذارد و بی خیال و بدون نرس و نگرانی به سلامت زندگی کند.

او ترس دانشمندان و حکیمان در وجودش بود. آنان که خدا بدانان حکمت بخشیده، با این فهم و درک دائم بر خود می لرزند و چیزها می بینند که دیگران نمی توانند دید.

پس از سالها سکوت، همه افسراد ملت، همه محرومان، ستمسیدگان، آنان که می دیدند با وجود خورشیدی درخشان، به دست اشراف و خاصان، برخلاف خواست و شیوه کیش جدید، در سیاهچالهایی تیره و تاریک افتاده اند، به پا خاستند تا خود، بر طبق سنت فطرت، و همگام با نظام آفرینش، کسی را به رهبری برگزینند که پروردگارش برای آن سمت خواسته بوسیله پیامبرش معرفی کرده است.

و این خاستن و گزینش برخلاف تمایل ستمگران، کزداران و گسرومی بود که برخلاف جهت طبیعی خلقت راه می سپردند و به آئین سیاه جاهلیت خود را پروردگار و صاحب اختیار خلق می پنداشتند و منافقان در غفلت و نادانی نوده تأمین می گردید! لذا برای ماقط کردن او و بی بهره ساختن جهان نیازمند به دادگری و استیضای از وجود او توسطه ها چیدن، دیسها ساز کردند، به فریختن ساده اندیشان دست یازیدند و بالاخره پیکارها به راه انداختند. مملکت متحد پهناور را قطعه قطعه کردند و ابرهای پرپشتی از چند دستگیرها، نبردهای داخلی، و ایجاد آشوب در هر گوشه مملکت، از نور پراکنی وجود روشنائی بخش او مانع شدند و اینها همه از دوستان نادان بودند و منافقان دو رو و دو زبان.

جنگ نهروان را مقدس مآبان کوتاه اندیش بسو او تحمیل کردند، و او با نالاشی پیگیر پس از اینکه حدود دوسوم از آن سرزمین فریب خورده را به راه راست برگردانید، با اکراه و اجبار بقیه را از صفحه وجود زدود و ولی بازهم منافقان بهانه دیگری ساز کردند. و حاضر نشدند به جنگ طاغوت ریشه دار در تاریخ بروند.

اثری که از لحاظ فکری و سیاسی، وجود این دسته و جنگ نهروان، در تاریخ اسلام باقی گذاشت، گرفتاری عظیمی برای همه زمامداران سیاسی و فکری، در سراسر دوران حکومت های اسلامی فراهم ساخت.

مسأله مصر، موضعگیری کلگزاران آن استان پهناور در

برابر مخالفان، نقشه‌های معاویه و مطامع عمرو عاص در مورد این سرزمین؛

محمد بن ابی بکر استاندار جوان آن‌جا و نقشی که در مصر بازی کرد، تعیین شدن مالک اشتر دست راست نیرومند و وفادار امام، به جای محمد و دسیسه معاویه برای ترور آن شخصیت بزرگ و بریدن آن دست از پیکر امام؛

فاجعه کشتن و سوختن محمد بن ابی بکر و نقش مخالفان در این موضوع؛

نوطه‌ای که معاویه به صوابدید مشاوران خویش برای بصره چید و می‌خواست با ایجاد آشوب و چند دستگی آن منطقه را هم از مملکت متحد اسلام جدا سازد و به شام و مصر خویش بپیراند. گرفتاری‌های حاصله از آن و شسته شدن این نقشه با خون‌گرویی از مردم بصره؛

مطالبی است که تجزیه و تحلیل آن‌ها در این جلد و جلد ششم آمده است و به مناسبت و اهمیت بخش اولش، «غوغای نهروان» نامگذاری شد تا همچون جلد‌های دیگر، همچنانکه حلقه‌ای است در زنجیر دراز کتاب تاریخ تحلیلی نیمقرن اول اسلام و زندگی پرافتخار امام علی بن ابی طالب علیه السلام، خود نیز بخشی مستقل، از لحاظ موضوع، به شمار آید و بدون نیاز به دیگر جلد‌ها خواننده را اطلاعات و معلوماتی افزاید.

بقیه مطالب - مطالب جلد‌های هفتم تا نهم - همه شرح گرفتاری‌های داخلی امام و نوطه‌های مخالفان سودپرست و شورش برخی از کل‌گزاران قریب‌خورده و خریده شده می‌باشد که ممکن است در ترجمه جمعاً به صورت جلد‌های هفتم و هشتم درآید و با شهادت امام، این سلسله هم به پایان رسد. امید آنکه نسا پایان سال ۵۲ ترجمه جلد‌های بعد نیز به دست خوانندگان علاقه‌مند برسد.

مترجم

مردادماه ۱۳۵۲ ه. ش. رجب ۱۳۹۳ ه. ق.